

# عکاسی

نقش خطوط در کمپوزیسیون تصاویر  
(۴)

هادی

## قوس‌ها - خطوط موجدار - دایره‌ها - ماریچ‌ها

در مورد جام، پیاله، کاسه، مخزن و طشت با وجود این‌که برعکس‌گنبد، در جهت مخالف رسم شده، از آنجا که همه برای جمع کردن و بهم پیوستن بکار می‌رود بازهم نشانه و مظهر الحاق، اتصال، رابطه و تجمع بشمار می‌رود. از قوس‌هاییکه يك درمیان، روبه بالا و پایین واقع شده خطی بوجود می‌آید که شکل موج به خود می‌گیرد و بیان‌کننده‌ی حرکتی است که محتوی چیزی بوده و با مضمونی دربردارد. از دیدن چنین خطی «نفس کشیدن» یا «آهسته قدم برداشتن» در نظر مجسم می‌شود. گرچه از چنین خطی احساس هیجان و تحریک نمی‌گردد، معینا جاندار و پرجوش و خروش است، احساس چابکی و زرنگی از آن میشود و تا حدی ظریف و با ملاحظت است؛ دره‌های کوچک زیبا، حرکت پاهای ظریف و سبک در رقص‌های آرام و موزون و نظایر آن... تماشاگری که صاحب دید آگاه و پرتجربه باشد بیشک فرق و اختلاف‌هایی را در میان انواع و اقسام مختلف تشخیص و تمیز خواهد داد. این امواج میتواند به آرامی، بی‌زحمت و صرف‌قدرت، گسترش پیدا کند، شکل‌های واضح‌تر و مشخص‌تر بخود گیرد و یا خط مسیری افقی یا عمودی ببیناید. خط موج‌دار همچون جریان آب نهر یا رودخانه‌یی پیش می‌رود و به حرکت و حالتی بس شادی‌بخش و مسرت‌آمیز که از تغییر محل چیزی بوجود می‌آید شباهت پیدا می‌کند ولی اگر مانند پیچک بالارونده‌یی خیزهای بلند بردارد سمبل و نشانه‌ی وسعت، فراخی، فراوانی، جرأت، شهامت، وفور و فراوانی خواهد بود. توجه و علاقه‌ییکه انسان به این نوع خطوط نشان میدهد به وضوح از استفاده‌ی آنها درد کوراسیون اشیاء، مصرفی، پارچه‌ها، مبلمان و انواع ظرفها مشهود است. زیبایی و شادی نواز شکرانه از احساسات حاصله این خطوط است.

دایره مظهر فقدان «آغاز و پایان» سمبل «ابدی و جاویدان» و نشانه‌ی «تغییر ناپذیری» است. - از آنجا که تمام جهات دایره یکسان است و هیچ جهت و سمتی را نشان



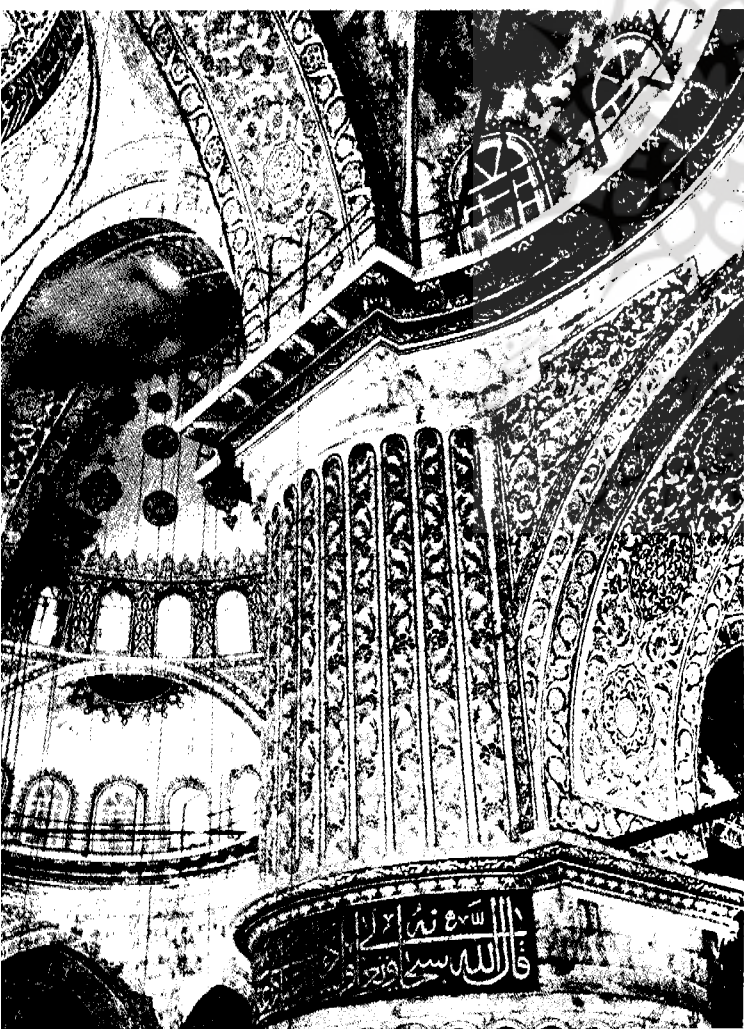


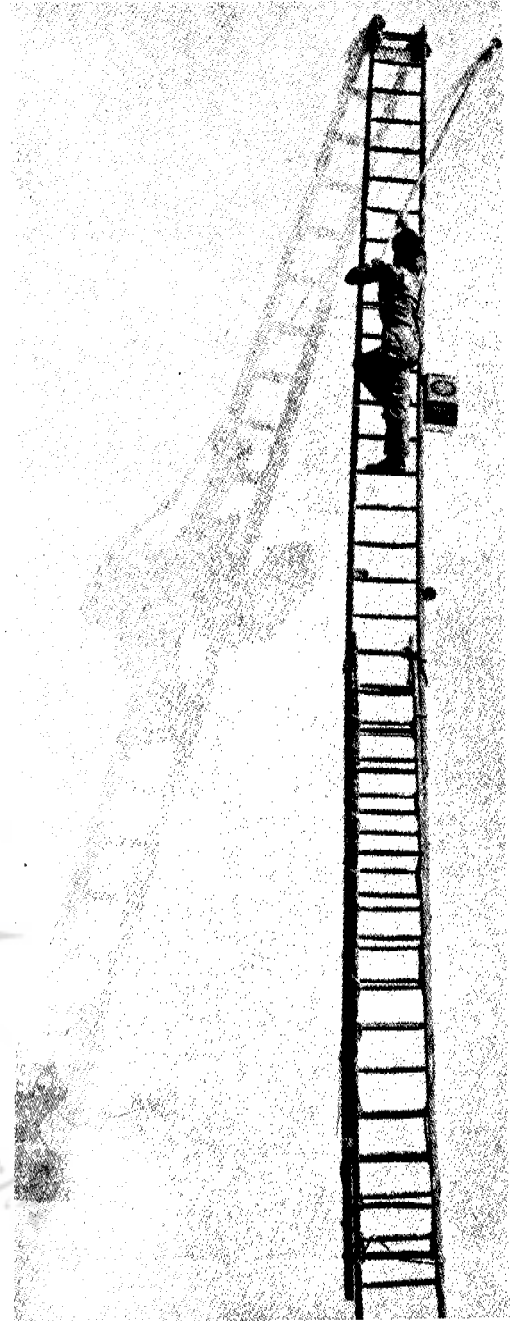
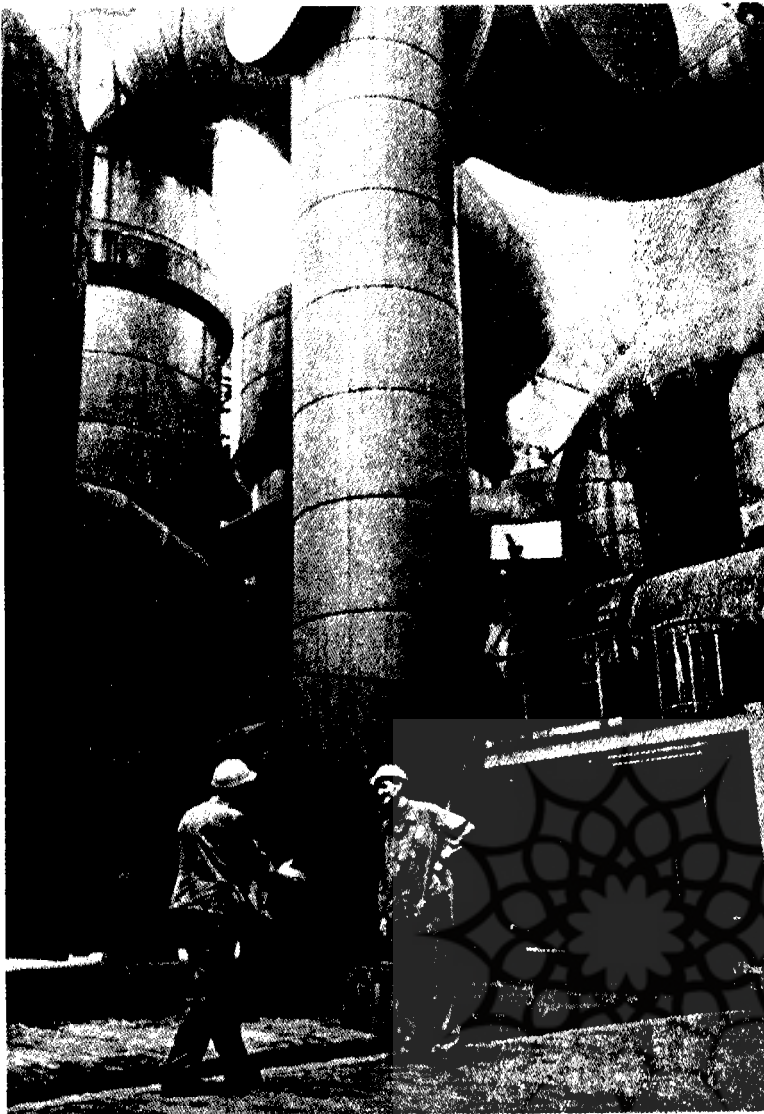
نمیدهد و از لحاظ اینکه بخودی خود آسوده و مستقر آرمیده و بخوبی متکی است، هیچگونه مسئله‌ی ایجاد نمیکند. -  
 معهداً بطور شگفت‌انگیزی توجه را بسوی خود جلب میکند زیرا که شکلی دلپذیر و خوش‌آیند دارد. این حس، اکثراً و بطور تعجب‌آوری، در مورد استفاده از شکل دایره برای بسیاری از معارف جاری، خود را بروز میدهد. حتی در مواردی که هیچ دلیل محکم و مقاومت‌ناپذیری وجود ندارد. - اما از نقطه‌ی نظر آرتیستیک (هنری) بهتر است استفاده از آنرا با احتیاط انجام داد زیرا به آسانی میتواند به کمپوزسیون کارا کتری نرم و ملایم و حتی بیمزه به بخشد.

شکل حلزونی نیز در حقیقت تغییر شکلی است که از دایره بوجود آمده، اما تأثیر و حالت آن فوق‌العاده قوی و محکم، تند و با هیجان و سرکش است. جهت خطوط حلزونی خواه از مرکز به خارج باشد و خواه از خارج به مرکز، نمیتوان در برابر آن از احساس قصد، اراده، تسلسل، گریز خود را رها کرد. در تابلوی مشهور نبردها و محاصره‌ها و در حرکات پیچ و خم دار مبارزین چنین خطوطی بوضوح خودنمایی میکند. همچنین حیوانات گرسنه، در انتظار لحظه‌ی مناسب برای هجوم به طعمه‌ی خویش اغلب بدین شکل درمی‌آیند.

## مجموعه‌ی انواع مختلف خط‌ها

تا بدینجا، مهمترین خط‌ها را، تک‌تک و جدا از هم، مورد مطالعه و دقت قرار دادیم. این طرز عمل بی‌دلیل و علت نبود زیرا میخواستیم ابتدا با هر یک از آنها، به تنهایی رابطه‌ی ذهنی برقرار سازیم. اما در ساختمان و ترکیب یک تصویر به ندرت ممکن است فقط یکی از انواع خطوط به کار رفته باشد، بلکه معمولاً مجموعه‌ی از آنهاست که یک تصویر را به وجود می‌آورد. اگر تنها به چندین نوع مختلف خط‌ها در کنار هم اکتفا کرده به امید القای احساس و تأثیر آنها باشیم نتیجه‌ی عاید نخواهد شد زیرا برای خلق و ایجاد اثری کامل قادر نخواهد بود. برعکس، باید دانست که تلاقی و برخورد خط‌های گوناگون است که چیزی نو و بی‌سابقه و غیر معمول خواهد آفرید: مجموعه‌ی که ابداً شابهتی به اجتماع ساده‌ی خط‌ها و فرم‌ها ندارد. بطور مسلم خطوط بزرگ اصلی، که قصد از آنها حفظ و تقویت و تأکید کمپوزسیون است، خاصیت طبیعت و کارا کتری خود را حفظ خواهد کرد و بدین ترتیب گیرنده‌ی عکس خواهد توانست بگذارد تا خطوطی که از طرف خود موضوع تحمیل و دیکته شده و اساس و پایه‌ی هماهنگی تصویر است مرکز انتشار کمپوزسیون را تشکیل دهد. وقتی این قیود و محدودیت‌ها شکل رضایتبخشی به خود گرفت، کمپوزسیون، با اعتقاد و یقین، پیام هنری خویش را بازگو خواهد کرد.

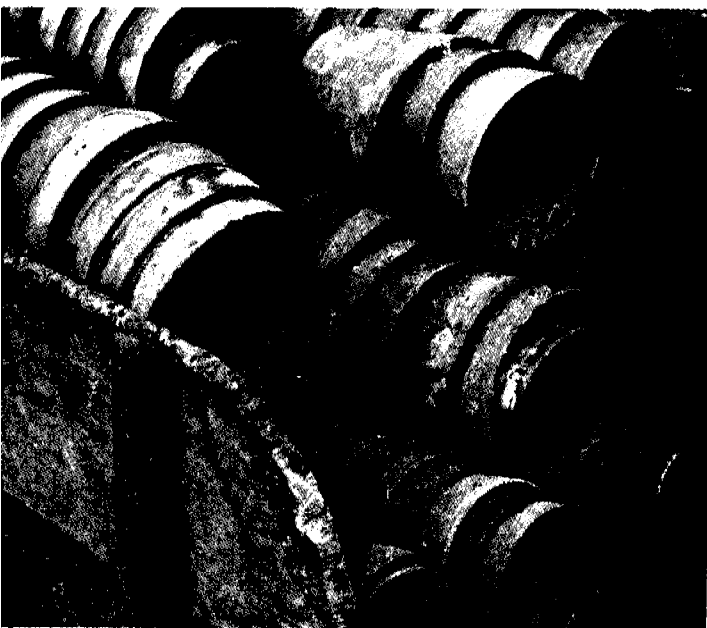




و آرام‌تری را لازم دارد. - طرح زاویه‌داری به کمک و یاری دایره هماهنگی خواهد یافت و از مجموعه‌ی آنها احساس راحتی به تماشاگر دست خواهد داد. بدین ترتیب، میتوان گفت که تعادل و هماهنگی در کمپوزیسیون به وسیله‌ی تضاد و کنتراست خطوط امکان‌پذیر میگردد و چنین تعادلی است که به دل می‌نشیند. برعکس، در صورت فقدان هرگونه تعادل، احساس میشود که خطوط دچار جنب و جوش شده و به حرکت درآمده‌اند. تصویر متغیر و نامعلوم بنظر میرسد و گویی با قدرت تمام به سوی کشیده میشود. با تمام آنچه گفته شد، دلیلی به اغراق و زیاده‌روی در ایجاد تعادل در کمپوزیسیون وجود ندارد و تصویر وضع و حالتی بیش از حد منظم و مرتب نباید پیداکند.

خطها در ترکیب و کمپوزیسیون تصاویر دارای چنان کارا کتر قاطعی هستند که بی‌وجودشان امکانی برای طرح‌ریزی تصویر نیست. چون نوع و جنس آنها نقش اساسی در این مورد

در موقع گرفتن هر عکس جهت و سمت خطوط (هر خط جهتی را نشان میدهد)، همچنین کنتراست و تضاد آنها باید در نظر گرفته شود؛ مثلاً اگر لازم است یک خط قوی به وسیله‌ی خط دیگری از همین جنس و طبیعت، واقع در جهت مخالف و معکوس، تکمیل شود حتماً باید آنرا وارد کمپوزیسیون کرد. و با یک خط افقی به کمک خطی قائم، و یا، یک خط مایل به توسط مایل دیگری که از لحاظ جهت و سمت کاملاً مخالف باشد. - اگر طرحی با لبه و کناره‌ی متلاطم و پر حرکت وجود داشته باشد همراهی و همکاری لبه و کناره‌ی ساکن



بازی میکند لذا درانتخاب لبه‌ها ، حاشیه‌ها و فرم‌ها دقت کافی باید کرد . به نسبتی که در ترکیب تصویر ، خطوط و تقسیمات و رنگهای بی‌ملاحظه و مطالعه‌ی کمتری به کار رفته باشد در حافظه‌ی تماشاگر آسانتر ثبت و نگهداری میشود . از اینروست که در کمپوزیسیون تصاویر از شلوغی و بی‌نظمی باید دوری جست و فراموش نکرد که زیبایی در سادگی است . اما ، سادگی با فقر و بی‌مایگی اشتباه نشود !

خلاصه ، خلق و ایجاد تصویری که به حد و پایهی کمال برسد کار آسانی نیست زیرا صفحه‌ی عکاسی ، بی‌آنکه عقیده‌ی موافق و یا مخالفی نسبت به اهمیت جزئیات موضوع داشته و در این خصوص چون انسانی اندیشناک باشد ، آنچه را که بدو عرضه شود ثبت و ضبط میکند . این وظیفه‌ی انسان است که پیش از فشار دادن به دکمه‌ی دوربین مجموعه‌ی کمپوزیسیون را مورد مطالعه‌ی بسیار دقیق قرار دهد و پس از اطمینان کامل دکلاشر را بفشارد . متأسفانه این امر مهم اکثراً فراموش و به دست تقدیر سپرده میشود که نتیجه‌ی آن عدم توفیق است و به دست آمدن محصولی فاقد ارزش هنری !

در این لحظه است که تأثیر هر یک از خطوط باید بد خوبی درك و از القای آن به تماشاگر اطمینان حاصل گردد . زیرا مشکل اساسی و در حقیقت ارزش و هنر عکاسی انتقال و تلقین احساسی است که قبلاً عکاس شخصاً آنرا درك و حس کرده است .

